طرح و اجرای نقش

در

کاشیکاری ایران

دوره‌ی اسلامی

دفتر معقّلی

تحقیق و تألیف: محمود ماهرالنقش

عکاسی : کامران عدل و محمود ماهرالنقش

خوشنویسی : یدالله کابلی

ویرایش و صفحه‌آرایی : کلود کرباسی

ترسیم نقش‌ها : محمود و جلال ماهرالنقش

چاپ و صحافی : شرکت افست (سهامی عام) تهران

وزارت ارشاد اسلامی

ادارهٔ کل موزه ها

از انتشارات موزهٔ رضا عباسی

یکهزار و سیصد و شصت و دو هجری شمسی

پیشگفتار

تاریخ‌نویسان، جهانگردان و پـژوهندگان آثار هنری راجع بـه هنرهای اسلامی به‌طور جمع و پراکنده نوشته‌هایی به‌زبان‌های مختلف در گوشه و کنار دنیا از خـود به‌یادگار گذاشته‌اند. هـرکدام از آنها می‌تواند سندی معتبر و ارزنده از تاریخ هنر ممالك اسلامی جهـان باشد، و راهنمای خوبی برای محققین و پژوهندگان معاصر، کـه در پی‌گیری هنرهای مختلف بتوانند با استفاده از آن مقالات و کتاب‌ها راه را کوتـاه‌تر کنند، و با گـردآوری مقالات و پـژوهش بیشتر، علاقمندان تاریخ هنر را هدایت و بـا هنرهای زمان‌های مختلف آشنا سازند.

مقالات و نوشته‌هایی که از نویسندگان مختلف درباره‌ی هنـر کاشیکاری ایران در زمان اسلام باقی مانده است می‌تـواند گویـای ارزش هنری صنعتگران این فن باشد.

مدت زمانی معادل چهارده قرن از تاریخ هنر اسلامی می‌گذرد، و سابقه‌ی هنر کاشیکاری را می‌توان در ده قرن آخـر جستجو کـرد. همان‌طور که در گفتارهای قبلی ذکر شده است هنر کاشیکاری تقریباً از قرن چهارم هجری یعنی دوره‌ی سلجوقیان رشد خود را آغاز کرد.

همچنان که در مقدمه‌ی جلد اول از نظر خوانندگان عزیز گذشت، کاشیکاری در بناهای اسلامی بـه ترسیم نقوش گـره‌کشی و اسلیمی محدود نماند و هنرمندان به هر طریق ممکن آنرا گسترش دادند و در تزئین ابنیه به‌خدمت گرفتند.

بحثما در این کتاب راجع به‌معقلی‌ست، که نوع دیگری از روش‌های تزئین نمای اماکن مذهبی و ساختمان‌های مسکونی‌ست. در کمتر کتابی راجع به‌معقلی بحثی به‌میان آمده‌که بتواند راهنمائی در کار تحقیق ما باشد.

همان‌طور که در کتاب «خط» اشاره رفت، در اینجا باید بازگو کنم که برای واژه‌ی معقلی در فهرست لغات معنایی نیامده، ولی از این کلمه‌ی رایج در بین استادان کاشیکار چنین مستفاد می‌شود که اجرای نقش‌های آن باید بس مشکل و پیچیده باشد، که به تفکر و تعقل زیاد نیاز دارد، و زمانی متناسب برای ترسیم و فراهم آوردن مصالحی که با نقش مورد نظر منطبق باشد لازم است. ولی برعکس، نقش معقلی‌یی که از آن در نماسازی استفاده کرده‌اند و امروزه بین کاشیکاران و صنعتگران این فن رواج دارد چنان آسان است که پس از ترسیم نقش به‌وسیله‌ی استادکاران، تراش و جمع‌آوری اجزای آنرا می‌توان به‌دست شاگردان یا نوآموزان کاشی تراش سپرد.

با اینکه از نقوش و نماسازی‌های معقلی در کتاب‌های مختلف ذکری به‌میان نیامده، آن‌طورکه از آثار باقی معماری اسلامی برمی‌آید می‌توان گفت معقلی از قرن ششم هجری در خدمت تزئین نمای بناها به‌کار گرفته شد.

در دوره‌ی سلجوقیان آجرکاری با نقش‌های متنوع روکار بناها را پوشانید و زینت بخشید. این آجرکاری تا به‌امروز زبانزد استادان فن و مهندسین معماری‌ست و کتابهایی درباره‌ی آن نوشته شده است. طرح نقش‌ونگارهای مزبور براساس طول و عرض و ضخامت آجرها شروع شد، و طولی نکشید که آجرها را با تیشه‌ی آجرتراشی به‌صورت نازکتر یا قطعات کوچکتر درآوردند. با این تحول، به‌مرور زمان توانستند در نقش‌ونگارهای هندسی تغییراتی به‌وجود آورند و با تکه آجرهای مربع‌شکل کوچك یا مربع مستطیل‌هایی که دو یا سه برابر مربع اولی یا بیشتر بودند به‌نقش‌های خود شکل بخشند.

نقش و نگارهای آجری با نام‌های مختلف ادامه پیدا کرد، که از مقوله‌ی این بحث خارج است، ولی هنرمندان، که‌به‌فکر نوآوری‌هایی بودند، هنر پیشرفته‌ی کاشیکاری و نقش و نگارهای آجر را توأماً به خدمت گرفتند و از آن در نماسازی بناها استفاده کردند.

هنرمندان دوره‌ی مغول توانستند از نقوش معقلی در بناها استفاده کنند و آثاری از خود به‌جا گذارند، از جمله مقبره‌ی سلطان محمد خدابنده، معروف به‌گنبد سلطانیه. استادکاران، کار ترکیب آجر و کاشی‌را در نقش‌های هندسی مرکب از خط در سطوح داخلی بنای گنبد سلطانیه چنان با مهارت به‌کار برده‌اند که پس از گذشت حدود هفت قرن چشم هر بیننده‌یی را خیره می‌کند. دیگر بنایی که دراین زمینه می‌توان به‌مثال آورد مقبره‌ی خواجه عبدالله‌انصاری در هرات است، که پیرامون نمای آن، در تقسیمات منظم طاقنماها، روی جرزها و داخل طاقنماها، به‌شیوه‌ی معقلی با کلمات مقدس تزیین شده است.

در تربت‌جام، دیوارهای اطراف صحن مقبره‌ی شیخ جام را به شیوه‌ی معقلی ساخته‌اند و هر دیوار شامل نقشی‌ست که در این کتاب منعکس شده‌اند.

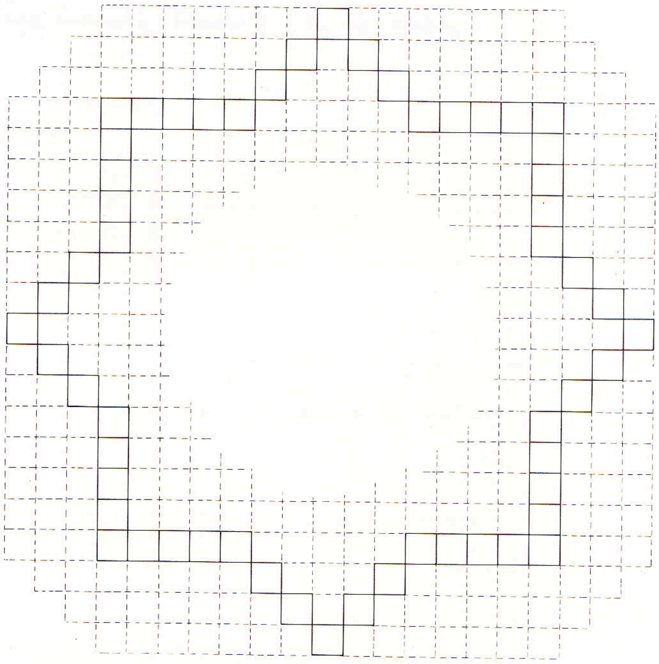
مقبره‌ی خواجه زین‌الدین در تایباد (استان خراسان)، که نماسازی آن را با نقوش گره و معقلی و خط معقلی انجام داده‌اند نیز درخور تحسین است.

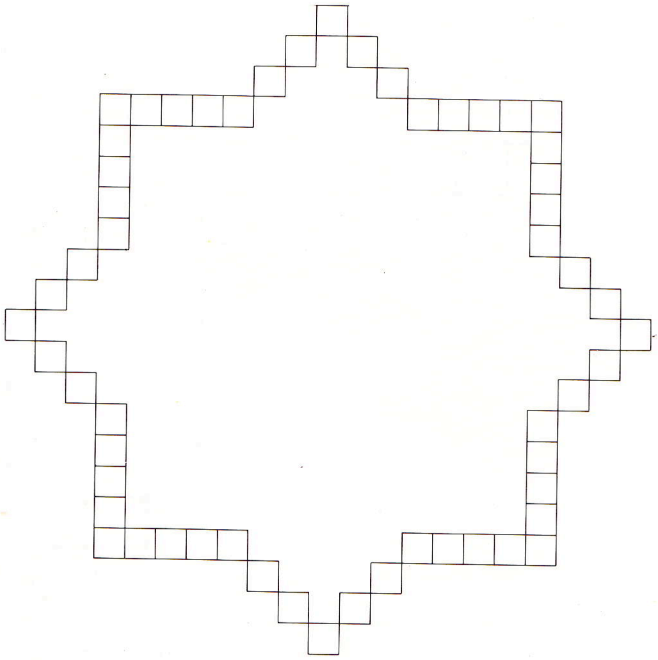
با دقت در ساخت این ابنیه و اینکه در تزیین نمای بیرونی و طاقنماهای داخلی آنها از شیوه‌ی معقلی استفاده شده است می‌توانیم نتیجه بگیریم که این سبك در حدود سده‌ی ششم یا هفتم هجری قمری بنیان گرفته است. همچنین این نکته استنتاج می‌شودکه نقوش معقلی تکامل یافته‌یی از هنر آجرکاری دوره‌ی سلجوقی‌ست و نمی‌توان این دو را از یکدیگر جدا دانست.

این شیوه تا زمان صفویه ادامه یافت و در همین دوران بود که به‌اوج خلاقیت خود رسید. بهترین نمونه‌ی این سبك را در مدرسه‌ی سلطانی اصفهان (مدرسه چهارباغ) مشاهده می‌کنیم، که شرح آن به‌تفصیل خواهد آمد.

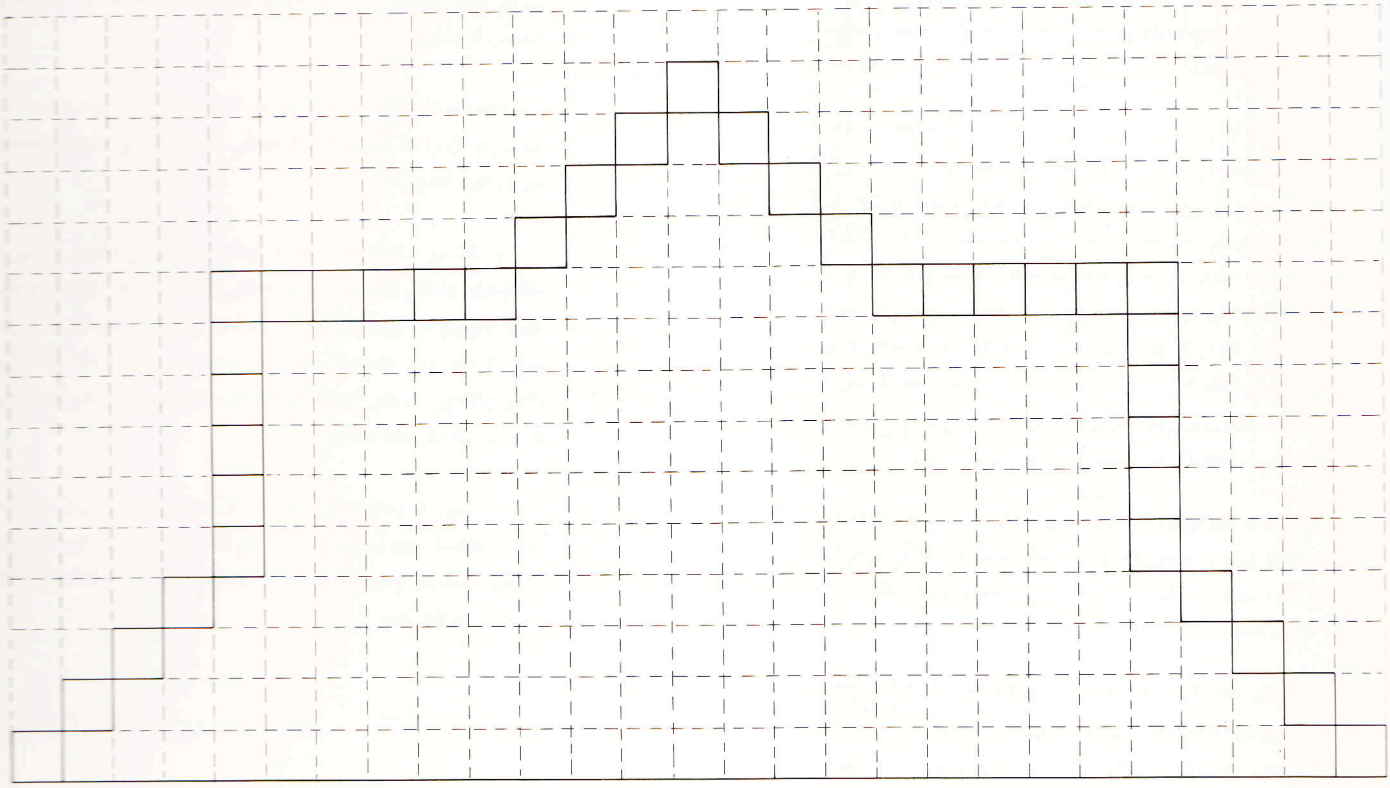
محمود ماهرالنقش

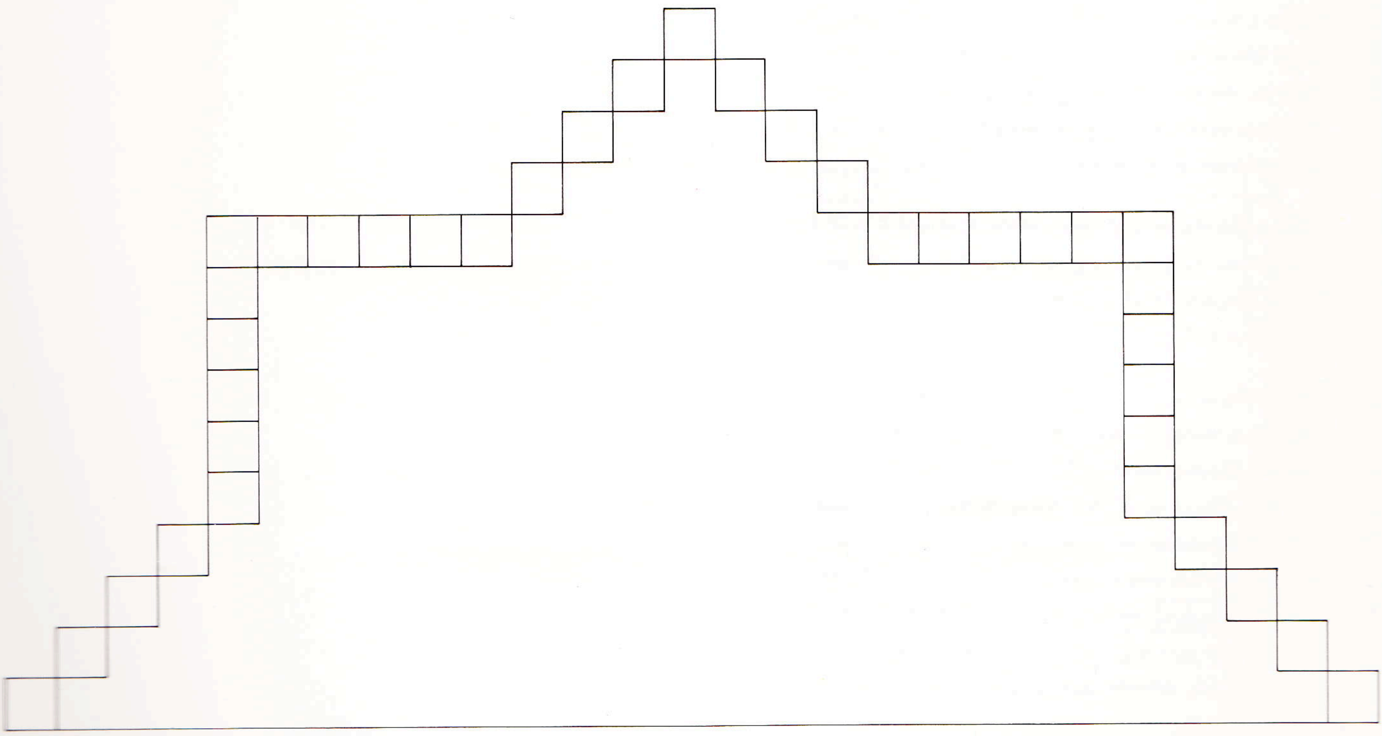
شمسه‌ی هشت و زهره‌ی معقلی



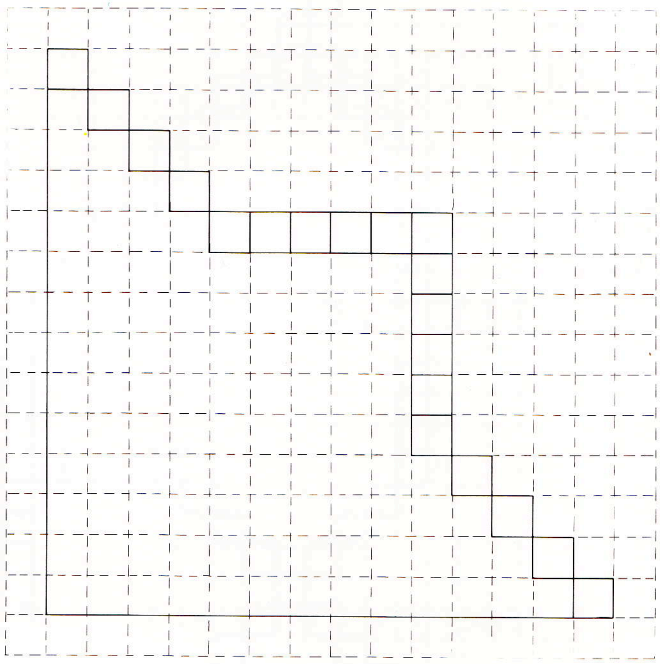


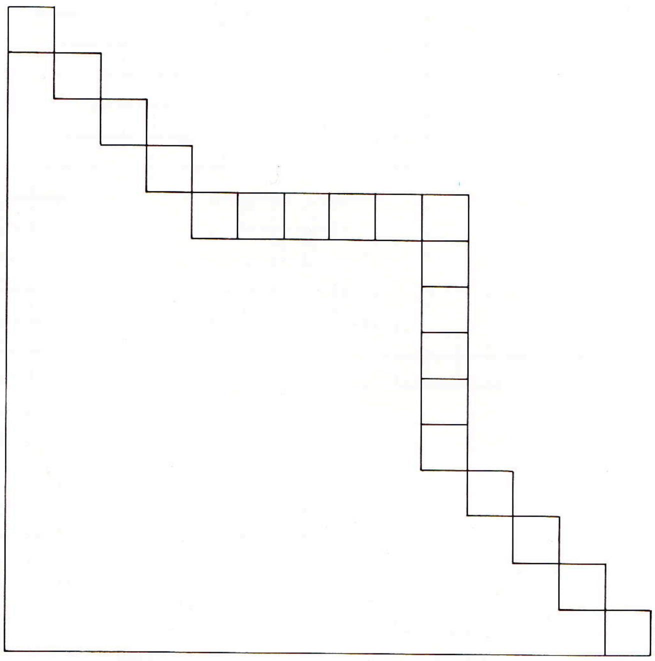
نیم شمسه‌ی هشت و زهره‌ی معقلی

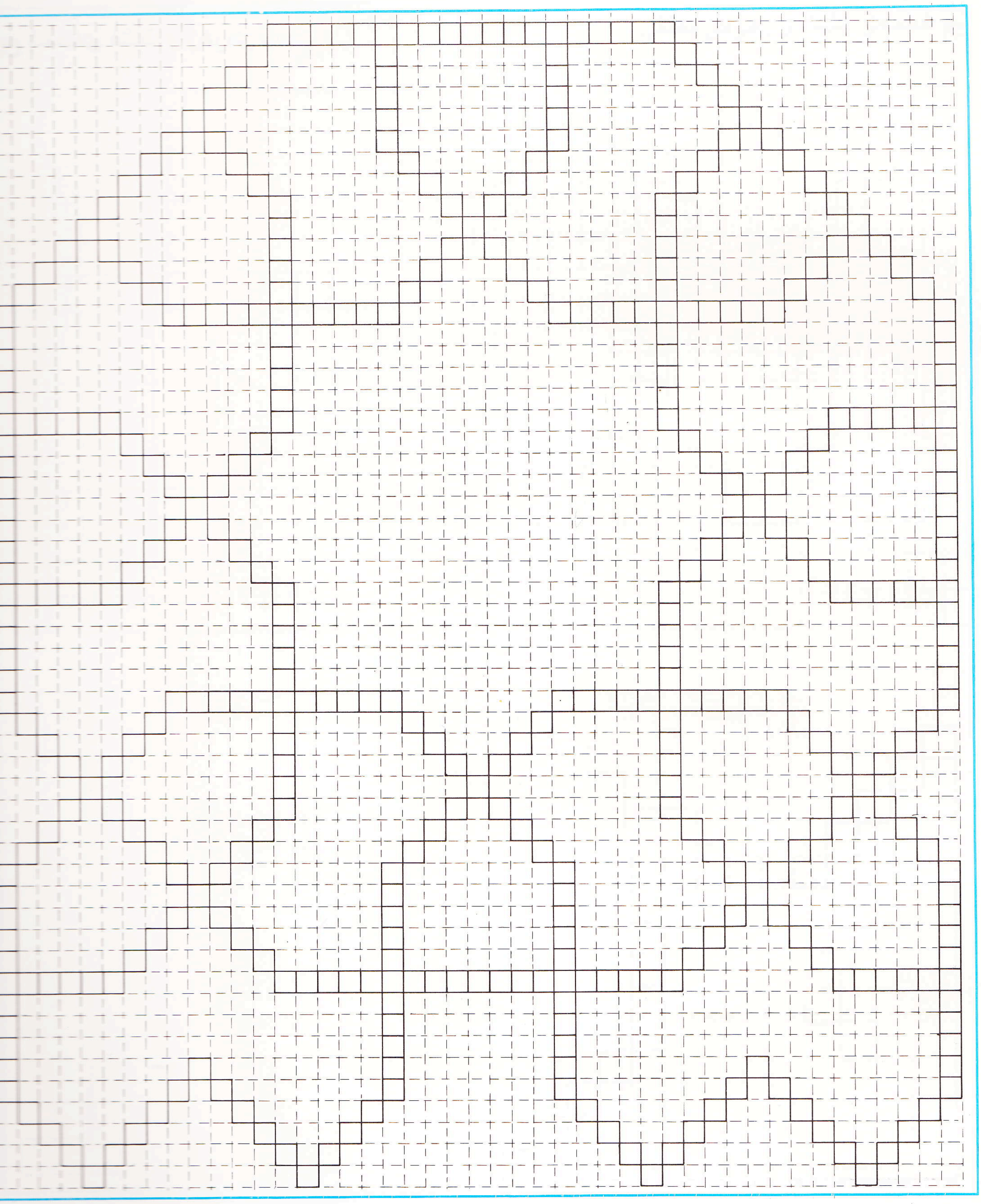


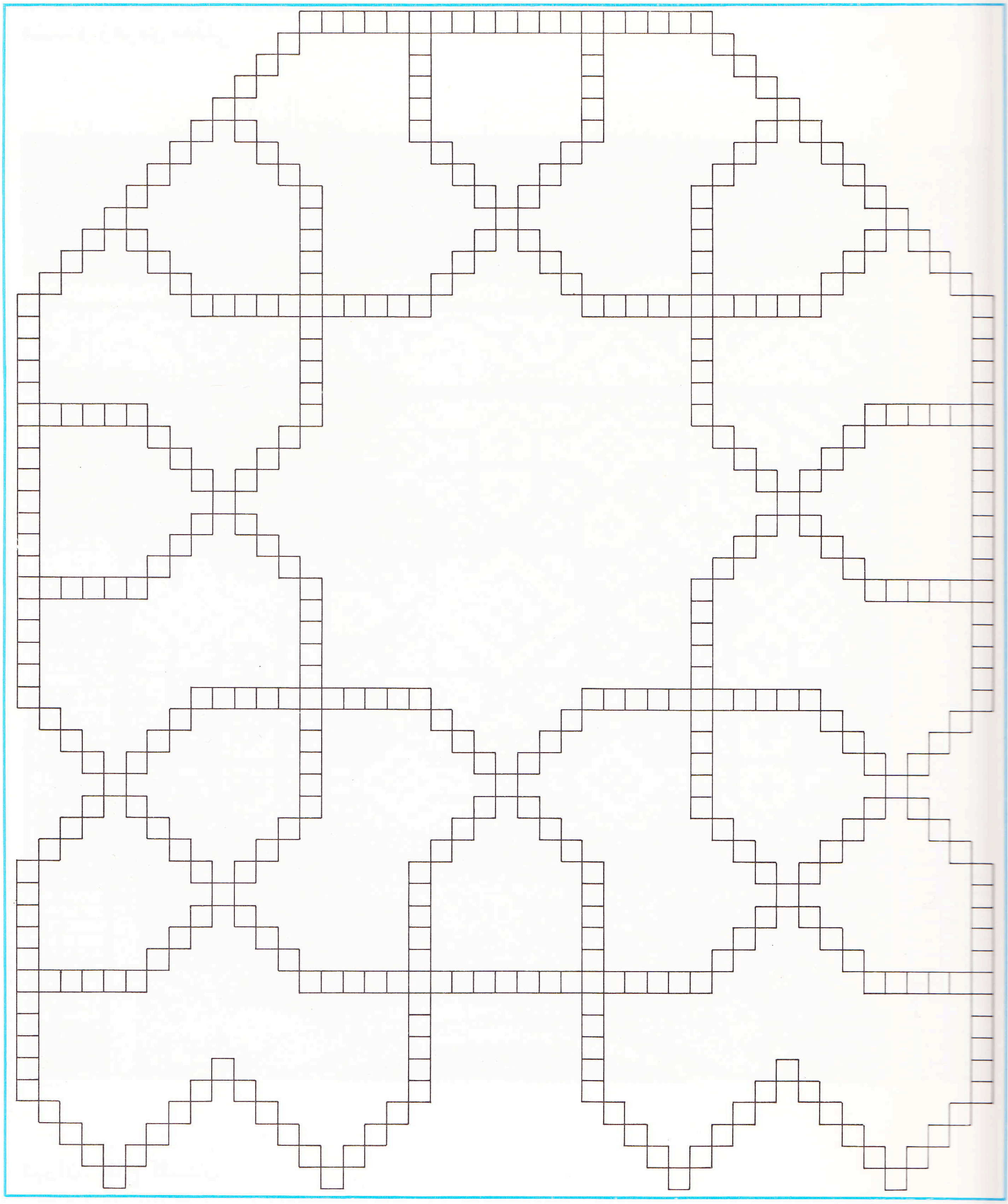


ربع شمسه‌ی هشت و زهره‌ی معقلی







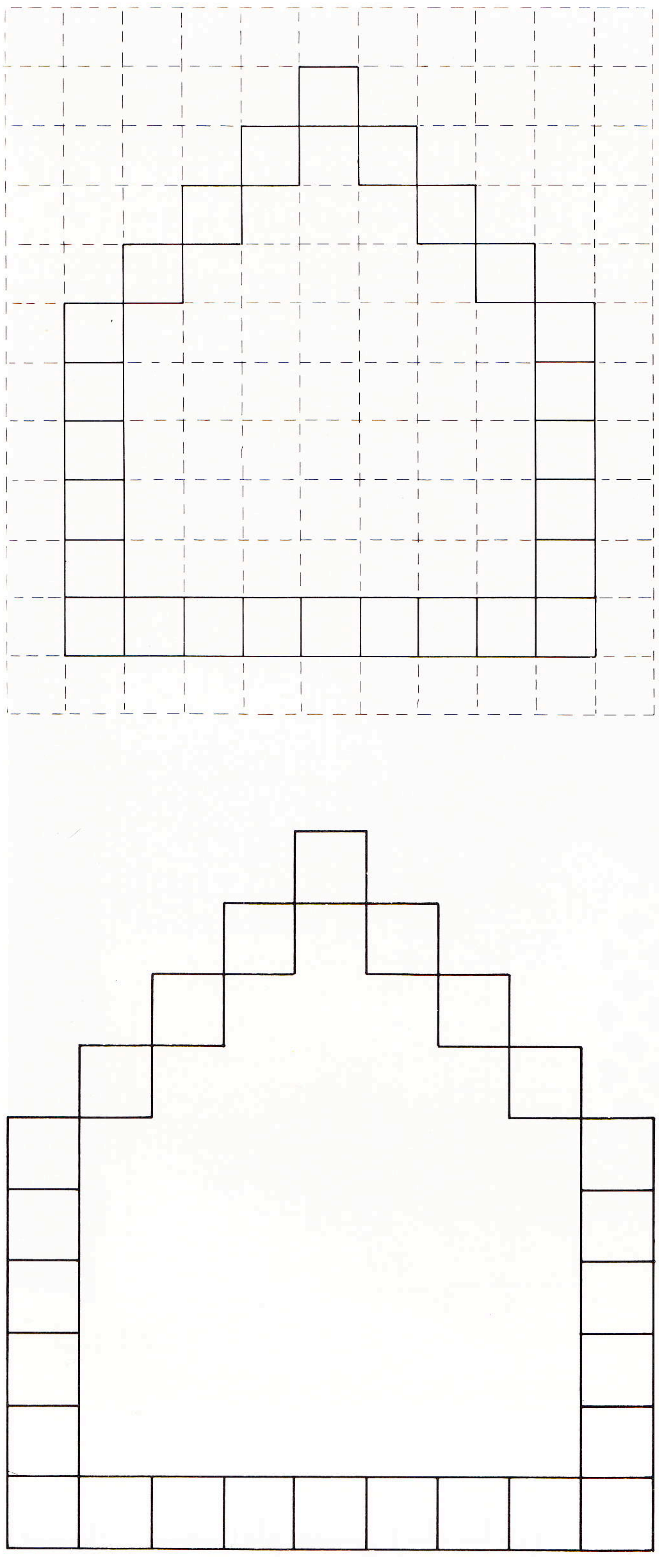


هشت و زهره‌ی معقلی

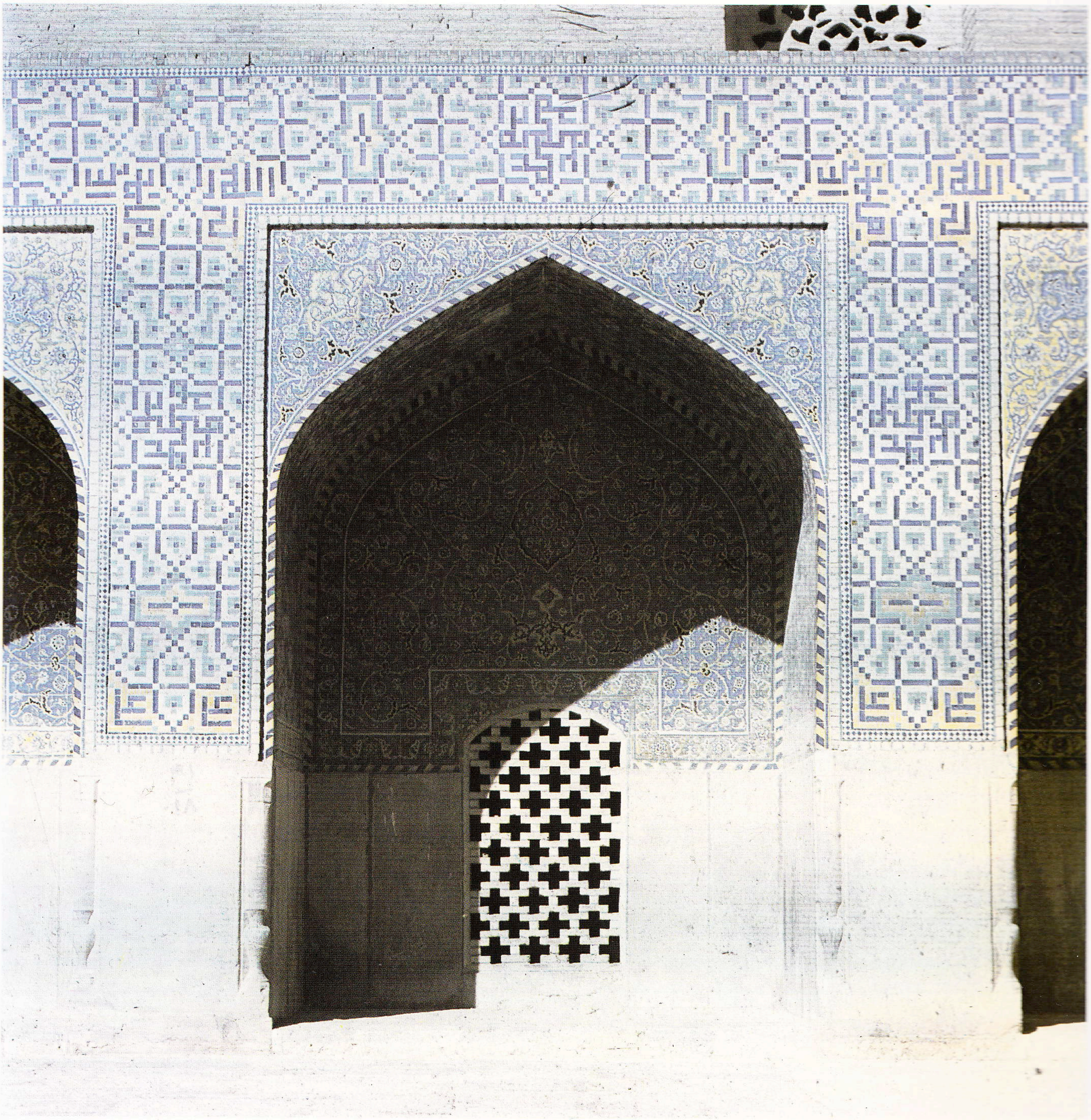


تهران: کاخ گلستان

سِلی معقلی

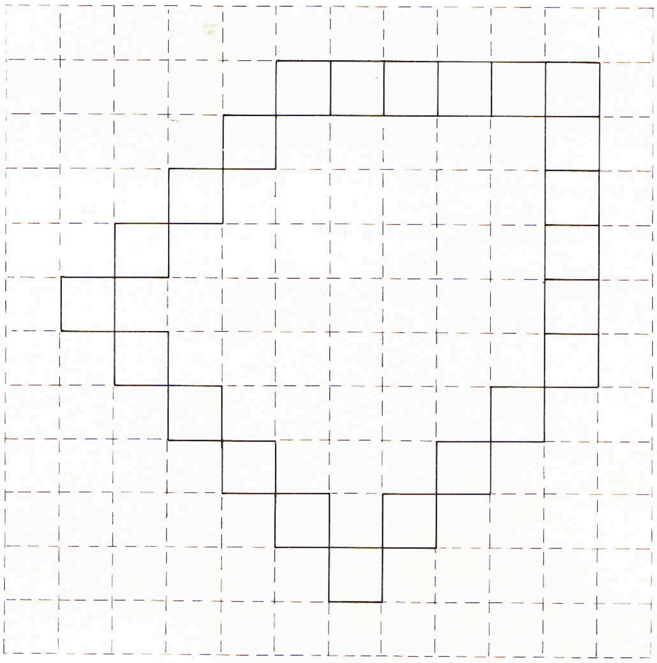


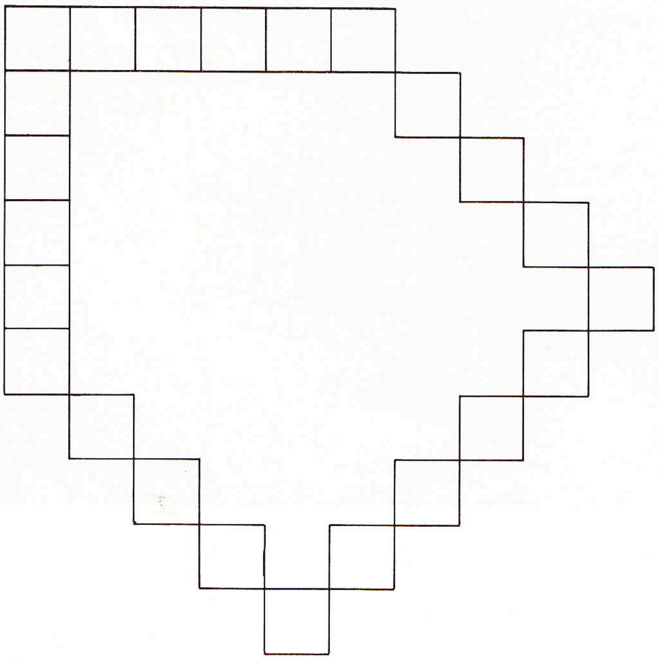
شمسه‌ی هشت و زهره‌ی معقلی

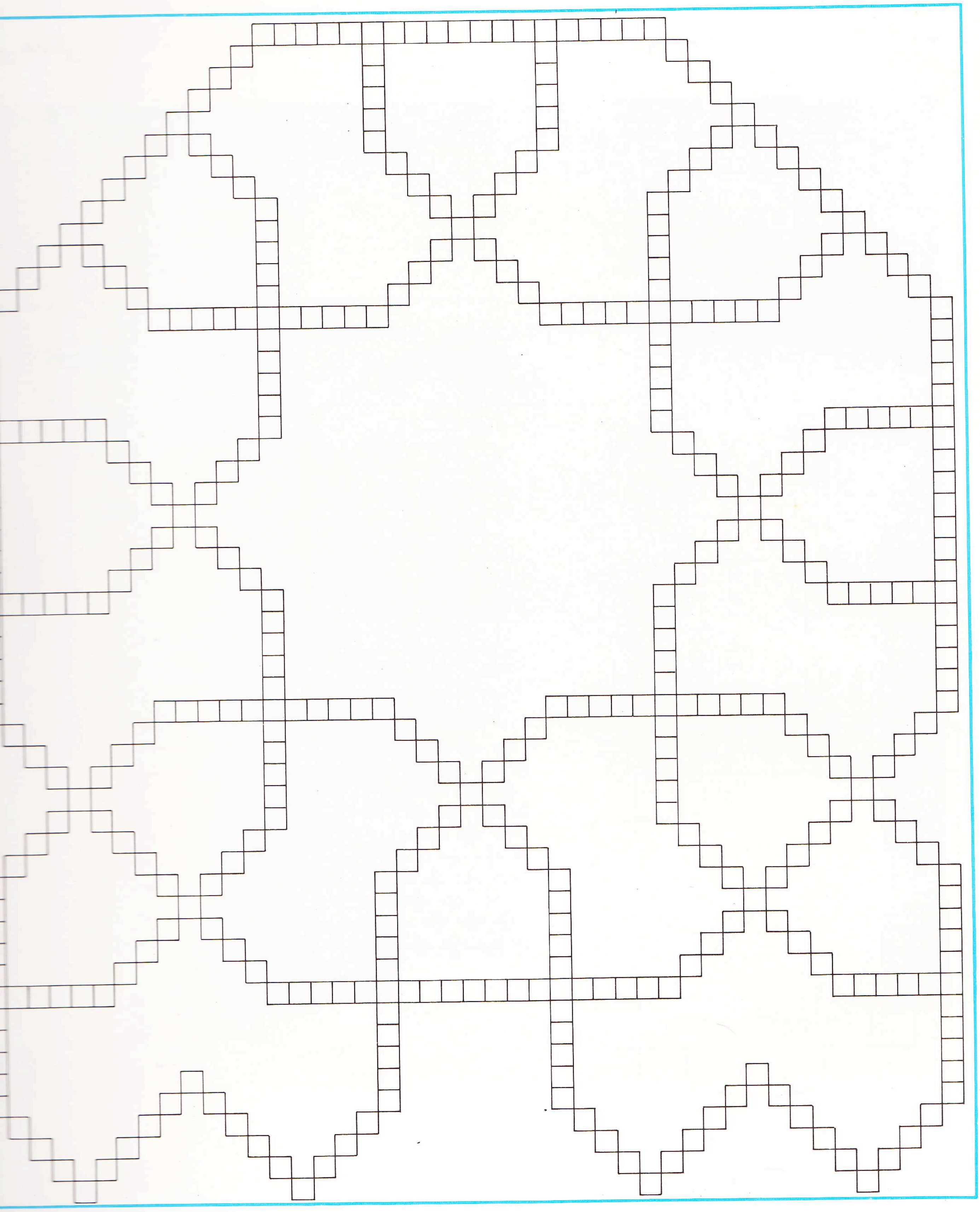


اصفهان: مسجد امام خمینی (شاه سابق)

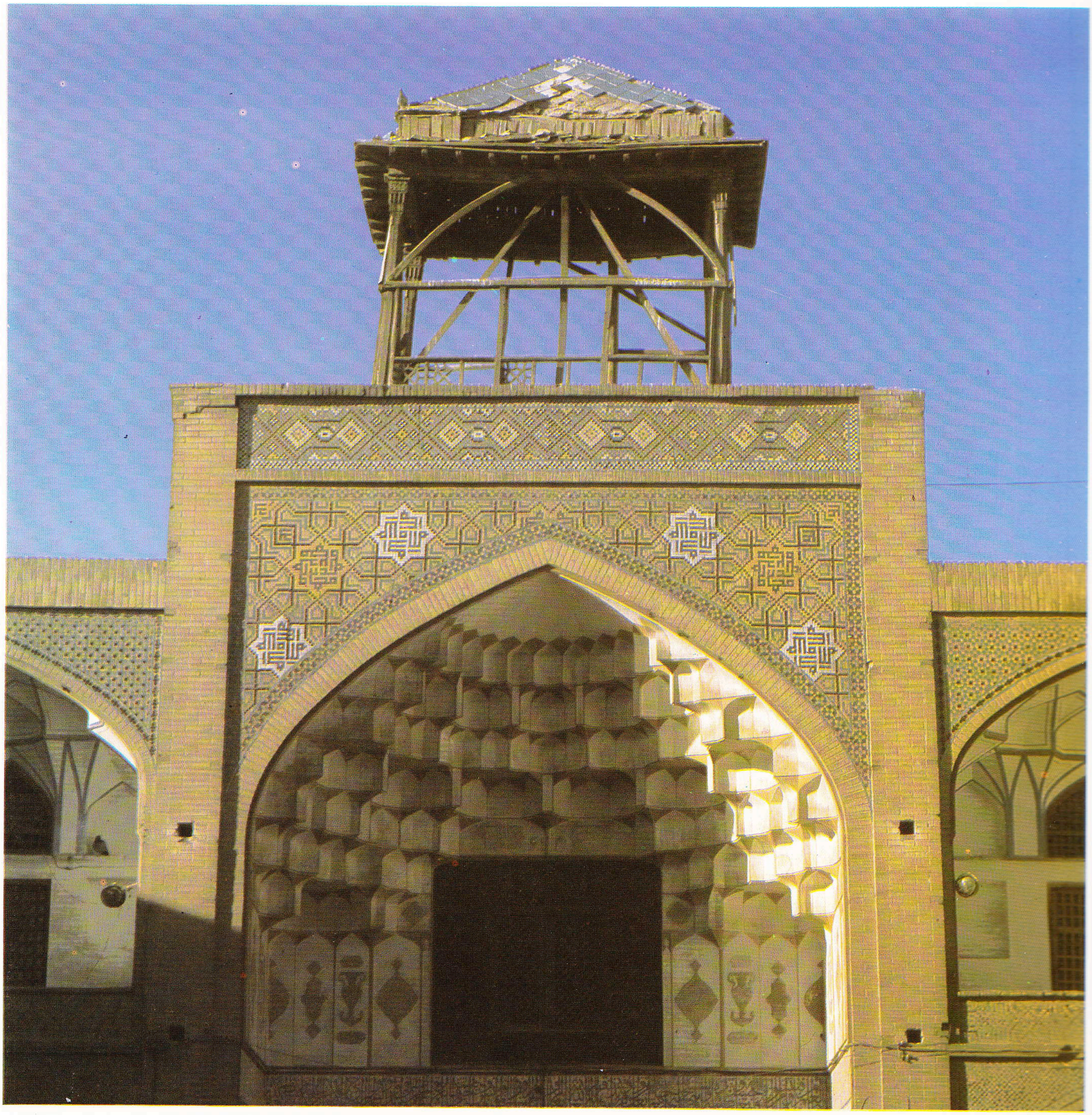
سِلی معقلی





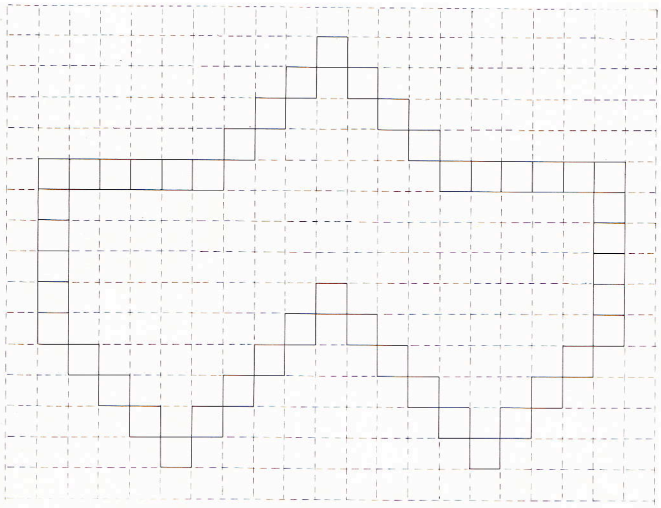


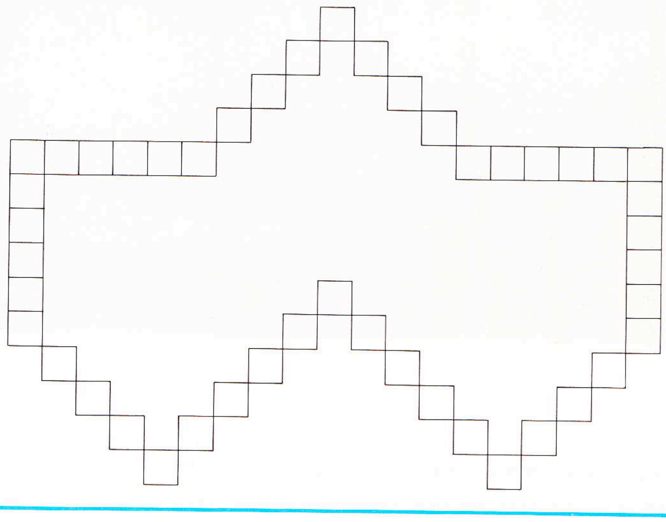
هشت و زهره‌ی معقلی



اصفهان: مدرسه‌ی نیم‌آورد

سِکرون هشت و زهره‌ی معقلی





هشت و زهره‌ی معقلی



تهران: کاخ گلستان

چهار سِلی معقلی

